

|   |  |
|---|--|
| Andishe.e.Taqrib.40<br>Vol. 17, No. 1, Spring 2022<br>P. 42- 75 | اندیشه تقریب<br>سال هفدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱، پیاپی ۴۰<br>ص ۴۲-۷۵ |
|---|--|

## ضرورت وحدت

مهدی مقدادی داودی<sup>۱</sup>

عباس مقدادی داودی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از عوامل مجد و عظمت اسلام و شکوفایی تمدن بزرگ اسلامی، وحدت، همبستگی و انسجام همه مذاهب اسلامی در سایه عمل به قرآن و بازگشت به سنت رسول الله ﷺ است. مسلمانان با اتحاد و یکپارچگی می‌توانند در برابر قدرت‌های استکباری بایستند و آن‌ها را مغلوب نمایند. مسئله مقاله حاضر بررسی ضرورت وحدت از منظر عقل و نقل است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد فقه الحدیث در کلام نقلی و همچنین با استمداد از دلیل عقلی به بررسی این مسئله پرداخته است. بر اساس آیات و روایات فراوان و همچنین بر پایه حکم عقل، وحدت و هم‌گرایی با روحیه اجتماعی انسان سازگار است و با تشخیص عقل ضرورت می‌یابد؛ از این‌رو موضوع وحدت و هم‌گرایی، همواره در اندیشه بشر بوده است. از منظر قرآن اختلاف و تفرقه، به اندازه‌ای منفور است که خداوند آن را در ردیف عذاب‌های آسمانی قرار داده و فرموده است: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾. (آل عمران (۳): ۱۰۵)

واژگان کلیدی: وحدت، تفرقه، ضرورت وحدت.

۱. پژوهش‌گر مرکز فقهی اهل‌البیت (علیهم‌السلام)، سطح ۳ حوزه علمیه قم. com.gmail@mehdimeghdadi69

۲. پژوهش‌گر سطح ۳ حوزه علمیه قم.

## وحدت: ضرورتی برای هر اندیشه

هر انسان اندیشمندی پس از این که به شناخت لازم در کشف حقیقتی دست یافت و هدفی را مد نظر قرار داد، در راه رسیدن به هدف از همه ابزار ممکن استفاده می‌کند و این، امری بدیهی نزد عقلا می‌باشد. این روش - به کارگیری همه ابزار ممکن در راه رسیدن به هدف - در خصوص جامعه اسلامی که خواهان رسیدن به اهداف اسلامی است، نیز صادق است؛ زیرا عقلا و متفکران جامعه اسلامی نیز، برای رسیدن به اهداف اسلامی می‌بایست از تمام ظرفیت جامعه اسلامی استفاده کنند. با توجه به حقیقت وحدت که عبارت است از این که امت بزرگ اسلامی در راستای اعتلای اسلام عزیز و تبلور و بروز اسلام به هدف ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ (توبه ۹: ۳۳)؛ برسد، از تمام ظرفیت امت اسلامی استفاده نموده و تمام همت خویش را با وجود تفاوت آراء و اختلاف نظرها در فرقه‌های مختلف اسلامی، در اعتلای اسلام عزیز، صرف نماید. نتیجه وحدت امت اسلامی این است که جامعه اسلامی با توجه به محورهای مشترکی که در میان مذاهب مختلف دارد، از تمام ظرفیت امت اسلامی برای اعتلای محورهای مشترک و کلمة الله و اسلام عزیز بهره ببرد.

البته در مسیر رسیدن به وحدت و انسجام، خواست امت اسلامی این نیست که مختصات هر مذهب را گسترش دهند؛ زیرا این امر خارج از چهارچوب مسلم وحدت خواهد بود و از سوی دیگر با توجه به نکاتی که در بخش موانع و عوامل و محورهای وحدت مورد اشاره قرار می‌گیرد، هرگز تبلیغ و گسترش اندیشه‌های اختصاصی مذاهب اسلامی با نقاط مشترک در تضاد و تهاافت نیست.

## ضرورت وحدت اسلامی از منظر قرآن کریم

در اهمیت و ضرورت اتحاد و هم‌دلی در میان مسلمانان از دیدگاه قرآن، هیچ تردیدی وجود ندارد و قاطعانه می‌توان گفت که یکی از مسائل اجتماعی که قرآن بیش از هر چیز دیگر بر آن تأکید دارد، وحدت میان پیروان آن است. قرآن این مهم

را در قالب آیات متعدد و شکل‌های گوناگون، مورد توجه ویژه قرار داده است و نه تنها هم‌سویی و هم‌رنگی مسلمانان را برای نیل به اهداف بلند اسلام، لازم دانسته، بلکه آن را یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین آرمان‌های خود بر شمرده است. از یک سو، هدف از آفرینش بشر، رسیدن به کمال و فضایل انسانی در سایه پرستش معبود یگانه است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات (۵۱): ۵۶) و طبیعی است که تحقق حداکثری این هدف فقط هنگامی صورت می‌پذیرد که انسان به صورت اجتماعی زندگی نماید و از دیگر سو، دستیابی به اهداف اساسی و رسیدن به منافع مشروع و دفاع از آن و بهره‌گیری کامل از نعمت‌های الهی، جز در سایه وحدت مسلمانان، امکان‌پذیر نخواهد بود. (حکیم، بی‌تا، ص ۲۹). هر کدام از این اهداف به نحوی در آیات کلام الله مجید، منعکس شده است و نه تنها شایسته، بلکه ضروری است که مسلمانان به دامن قرآن پناه ببرند و درمان مشکلات، به ویژه درمان درد جان‌فرسای تفرقه را از قرآن بخواهند. (مدرس، بی‌تا، ص ۹۵).

همان‌گونه که بیان شد در قرآن کریم تأکید بسیاری بر مسئله وحدت شده و این اهمیت با تعبیر مختلفی آمده است که آن واژگان عبارتند از: «واعتصموا، اصلحوا، رابطوا، تعاونوا، السلم، اصلاح بین الناس، الف بین قلوبکم، امّة واحد، اخوت، مودت» که در ادامه به برخی از آن آیات اشاره می‌شود:

۱. ﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾ (مؤمنون (۲۳): ۵۲): یا ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ (انبیاء (۲۱): ۹۲).

قرآن کریم دست‌کم در دو آیه از آیات الهی، به صراحت تمام اعلام می‌دارد که نوع انسان، خدایی یکتا و هدف واحد دارد که این امر خود مستلزم وحدت است در موردی می‌فرماید: «(این پیامبران بزرگ و پیروانشان) امت واحدی بودند (و پیرو یک هدف)؛ و من پروردگار (یگانه) شما، پس از (مخالفت فرمان) من پرهیزید». و در آیه دیگر «پس مرا پرستش کنید».

علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌فرماید: «بر اساس سیاق آیه، خطاب آیه، عمومیت دارد و تمام افراد مکلف بشر را فرا می‌گیرد و مراد از آن در این جا نوع انسان است که به خودی خود وحدتی دارند و همه انسان‌ها در آن نوع واحدند. برخی نیز مقصود از همین آیه را امت اسلام دانسته‌اند که همه‌ی انبیاء الهی در آیین اسلام به عنوان دین نهایی اتفاق نظر دارند». (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۱۵۵).

هر کدام از این دو احتمال را درست بدانیم، هدف و آرمان واحد، در سایه پرستش خدا محقق می‌شود و طبیعی است که نیل به هدف واحد در گرو وحدت است و وحدت هدف ضرورت وحدت جامعه را بیار می‌آورد.

۲. ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (آل عمران (۳): ۱۰۵)

یکی از روش‌های هدایت قرآن کریم این است که پیروانش را به عواقب و پیامدهای کارهایشان، انداز می‌نماید و از این طریق برای مخالفت با عاملی که به این عواقب می‌انجامد جامعه را انداز می‌دهد. قرآن در مورد اهمیت اتحاد مسلمانان نیز در آیه مذکور خطاب به مسلمانان هشدار می‌دهد که بر اثر اختلاف و تفرقه میان خود، به سرنوشت امت‌های قبلی همچون یهود و نصاری مبتلا نشوید که عذاب عظیم در انتظارشان خواهد بود؛ مقصود از «الذین» در آیه یهود و نصاری هستند و آیه بر حرمت اختلاف دلالت می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۳ ص ۳۷۳)

برخی از مفسران می‌گویند بعید نیست جمله «من بعد ما جاءهم البینات» متعلق به جمله «و اختلفوا» باشد که در این صورت منظور از «اختلاف»، تفرقه از حیث اعتقاد و مراد از «تفرقه» اختلاف و تشتت از حیث بدن‌هاست. اگر تفرقه را جلوتر از اختلاف ذکر فرمود، برای این است که تفرقه و جدایی بدن‌ها از یک‌دیگر، مقدمه جدایی عقائد است؛ چون اگر یک قوم به هم نزدیک و مجتمع و مربوط باشند، عقائدشان به یک‌دیگر نزدیک‌تر می‌گردد و در آخر از راه تماس و تأثیر، متحد می‌شوند و اختلاف عقیدتی در



میانشان رخنه نمی‌کند. برعکس، وقتی افراد از یک‌دیگر پراکنده و بریده شدند، همین اختلاف و جدایی بدن‌ها، باعث اختلاف مشرب‌ها و مسلک‌ها می‌شود و به تدریج هر چند نفر، دارای افکار و آرای مستقل و جدا از افکار و آرای دیگران می‌شوند و تفرقه و جدایی باطنی هم پیدا می‌کنند و وحدتشان از بین می‌رود. (طباطبایی، همان).

بنابراین، آیه شریفه هشدار می‌دهد که اولاً شما باید وحدت و انسجام داشته باشید و آن را در هر شرایطی حفظ کنید؛ ثانیاً مانند قوم یهود و نصاری دچار تشتت و پراکندگی نشوید و ثالثاً در صورتی که به این هشدار توجه نکنید، دچار عذاب الهی می‌شوید.

۳. ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾؛ (آل عمران (۳): ۱۰۳)

واژه «حبل» در اصل به معنای وسیله‌ای است که انسان توسط آن به مقصد و حاجت خود برسد، مانند ریسمانی که انسان با چنگ زدن به او خود را از ته چاهی و مانند آن نجات دهد. (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۲۳۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱- ۲، ص ۸۰۳؛ شوکانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷۴) در این آیه شریفه چند نکته اساسی در جهت انسجام بخشی مسلمانان ذکر شده است:

۱- جمله ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ...﴾ تمثیل (آل عمران (۳): ۱۰۳) یا استعاره تمثیلیه است؛ زیرا حالت و موقعیت مسلمانان در تمسک آنان به کتاب الله و یا در متحد بودنشان، تشبیه شده است به حالت چنگ زدن کسی به ریسمان محکمی از مکان بلند، که مایه امنیت است و از سقوط او جلوگیری می‌کند. (رشیدرضا، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۰)

کسی که از مسیر بسیار خطرناک و پرتگاه هولناکی عبور کند، همواره هراس دارد که از آن پرتگاه، سقوط کند، ولی با گرفتن طنابی که دو طرف آن در جایی محکم و استوار است، با اطمینان خاطر از آن‌جا عبور می‌کند و خود را به مقصد می‌رساند. مسیر و طریق سعادت است که خداوند در این آیه پیشنهاد می‌کند شبیه همان مسیر خطرناکی است

که تمسک به کتاب خدا (و اسلام) باعث نجات می شود. (حقی البروسی، بی تا، ج ۲، ص ۸۹؛ فخر رازی، بی تا، ج ۴، ص ۱۵۱)

۲- خداوند نحوه تمسک و چنگ زدن به این ریسمان محکم را با واژه «اعتصام» که از ریشه «عصمت» است بیان کرده است؛ هر چند می شد آن را با کلمه «تمسکوا» و یا عبارت های دیگر اظهار نماید. چنین تعبیر لطیف و زیبایی، این نکته را به ما می فهماند که اگر مسلمانان با وحدت و همدلی تمام و عاری از هر گونه اختلاف و غرض های سوء، به جبل الله چنگ بزنند، باید بدانند که از آفت ها و لغزش ها در امان مانده و بیمه شده اند. به قول سید قطب، اعتصام به این نعمت است که خداوند بر مسلمانان صدر اول منت نهاده است. (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۵).

۳- جمله «واعصموا» (تمسک شوید)، از یک طرف در قالب «فرمان» و دستور بیان شده و از سوی دیگر به صورت «خطاب جمعی» به ملت مسلمان است. از طرف دیگر، همان فرمان عمومی را با کلمه «جمعاً» تأکید کرده است تا بفهماند که اولاً این تمسک باید دسته جمعی و از سوی همه مسلمانان صورت گیرد؛ ثانیاً چون در آیه شریفه هیچ قید زمان و مکانی لحاظ نشده، این تمسک وقتی در حالات اجتماعی و سیاسی مسلمانان تأثیر مثبت می گذارد که در طول تاریخ و در همه شرایط انجام گیرد. (علوی مقدم، بی تا، ص ۵۴).

جالب این که شأن نزول آیه شریفه که دو قبیله «اوس» و «خزرج» اند، این خصوصیت را داشته اند که به طور دسته جمعی به «جبل الله» متمسک شده اند و از این قضیه زمانی نگذشت که آثار سعادت و حلاوت نعمت های الهی در زندگی برای آنان پدیدار گشت. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۳ ص ۵۷۶). شیخ طوسی آیه را به تمسک دست جمعی معنا می کند. (طوسی، بی تا، ج ۲ ص ۵۴۹).

عده ای از مفسران بر اساس روایاتی، «جبل الله» را به «جماعت» تفسیر کرده اند. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲ ص ۱۰۷؛ ابن حیان اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۳ ص ۲۸۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق،

ج ۴ ص ۳۹) و گویا خواسته‌اند بگویند جماعت خود ریسمان محکم الهی است و کسانی که متحد و هم‌سو باشند، نجات یافته‌اند. زمخشری، مفسر اهل سنت، نیز آیه را این گونه معنا می‌کند: «دسته جمعی به خدا استعانت کنید و خود را به او استوار نمایید و اختلاف و تفرقه نکنید». (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۴۵۰ و ۴۵۱).

۴- هر چند شأن نزول آیه، دو قبیله اوس و خزرج است، (طبرسی، ۱۳۷۲ش، جزء ۲، ص ۸۰۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲ ص ۱۰؛ مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۳ ص ۳۸؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۲ ص ۸۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۳ ص ۱۲۶) ولی خطاب آیه شریفه به عموم مسلمانان است «واعتصموا... جمیعاً». طبیعی است که خوان این نعمت الهی همچنان گسترده است و کافی است که مسلمانان، از خود این شایستگی و کفایت را به نمایش بگذارند و از این نعمت بزرگ بهره‌مند گردند. این نکته که واژه «نعمت» دو بار در آیه ذکر شده، خود دلیل اهمیت فراوان آن است.

نویسنده تفسیر گرانسنگ المیزان، معتقد است خداوند می‌خواهد پیروان قرآن را به حقیقت دین و سعادت‌ی که دین برای انسان در نظر دارد، آشنا کند و از تقلید و پیروی کورکورانه باز دارد، (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، صص ۵۷۲-۵۷۵) می‌خواهد بفهماند اگر شما را به اعتصام و عدم تفرقه می‌خوانیم بی دلیل نیست. دلیل این که شما را بدان دعوت کرده‌ایم همین است که خود به چشم خویش ثمرات اتحاد و اجتماع و تلخی عداوت و حلاوت محبت و الفت و برادری را چشیدید. (داستان اوس و خزرج) و در اثر تفرقه به لبه پرتگاه آتش رفتید و در اثر اتحاد و الفت از آتش نجات یافتید. بدانید که این تمسک به حبل‌الله و اتحاد شما نعمتی از ناحیه ماست و متوجه شوید که تمامی دستورهایی که به شما می‌دهیم، به نفع شماست و سعادت و رستگاری شما را تأمین می‌کند. (طباطبایی، همان).

پنج: در پایان آیه شریفه، خداوند پیامد دردناک عدم اتحاد و همدلی مسلمانان را عرضه می‌دارد (بعد منفی) و خاطر نشان می‌سازد که از آنچه برگذشتگانان یعنی اوس

و خزرچ، رفته است، عبرت بگیرید؛ آنان بر اثر اختلاف شدید مشرف به هلاکت بودند، ولی در سایه لطف خدا و ظهور اسلام نجات یافتند ﴿... وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا﴾ (آل عمران (۳): ۱۰۳).

۴. ﴿وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَارَ عَتَمٌ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ...﴾ (آل عمران (۳): ۱۵۲).

این آیه از طریق بیان پیامد اختلاف و عدم وحدت حول فرمان نبی مکرم ﷺ بر انسجام و همسویی مسلمانان تأکید می‌ورزد.

همه مفسرین اتفاق نظر دارند که این آیه و آیات چندی بعد از آن، درباره جنگ احد فرستاده شده است، منتها برخی در توضیح آن گفته‌اند: «وقتی رسول خدا ﷺ بعد از جنگ به «مدینه» بازگشت، یکی از اصحاب گفت: چرا ما شکست خوردیم، در حالی که خدا به ما وعده نصرت و ظفر داده بود؟ آن‌گاه این آیه نازل شد.» (رشیدرضا، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۱).

آنچه از این آیه شریفه استفاده می‌شود، دو نکته اساسی است:

۱- اختلاف و نزاع میان تیراندازان، که قرآن از آن به «تنازع» یاد می‌کند، به طور جدی صورت گرفت. تنازع به معنای اختلاف از ماده «نزع» و به معنای نوعی کندن است. اختلاف را از این جهت تنازع گویند که در حقیقت طرفین نزاع، هر کدام می‌خواهد دیگری را از آنچه دارد برکند، (طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، ج ۹، ص ۱۲۲). یا این که هر یک از دو طرف نزاع، میل پیدا می‌کند به غیر چیزی که دیگری به آن متمایل است. (رشیدرضا، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۵) این اختلاف هم بدان جهت بود که آنان برای به چنگ آوردن مال بی ارزش دنیا ﴿مِنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا﴾ فرمان رسول خدا ﷺ و فرمانده خود را نادیده گرفتند.

۲- آیه شریفه پیامد این اختلاف را «سستی و ضعف» می‌داند و می‌فرماید: در اثر

اختلاف «فشل» شدید. خداوند در بیان پیامد اختلاف نمی گوید: سرانجام این شکاف، کشته شدن عده زیادی و شکست شما بود، بلکه می فرماید: پیامد آن ضعف و سستی شما بود که به مراتب دردناک تر از شکست و از دست دادن دلاورانان است.

سید قطب، بعد از توضیح اختلاف میان تیراندازان دره احد، می گوید: «قلبها متشتت و پراکنده شدند، دیگر صف واحد نداشتند، هدف واحد از بین رفت، طمع دنیاخواهی نور اخلاص را ربود، معرکه عقیده از اخلاص خالی شد...». (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۰۷).

در نتیجه آنچه در این حادثه بر مسلمانان رفته است، برای همه مسلمانان سرمشق و درس عبرت است و هشداری است که اگر با وحدت و همدلی و آشتی زندگی نکنند، تردیدی نداشته باشند که دشمن همواره در کمین است و برای هر جمعی و هر تفکری، دام های رنگارنگ بر اساس سلیقه ها و گرایش ها و طیف ها و... گسترانیده است. (رضایی، ۱۳۸۶ش، شماره ۲۴).

۵. ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (حجرات (۴۹): ۱۰)

قرآن کریم در صدد گسترش روحیه برادری در بین عموم مردم، خصوصاً مسلمانان است، به همین جهت قرآن تمام مؤمنان را برادر یکدیگر خطاب کرده است. دین اسلام در موارد زیادی، اخوت ایمانی را به عنوان علت و انگیزه ای بر وحدت و اتحاد معرفی نموده و بر اساس آن به همکاری و یاری رساندن به مؤمنان سفارش می نماید و ضرورت آن را با این بیان روشن می کند. (زنجیری، ۱۴۰۷ق، ج ۴ ص ۳۶۶).

۶. ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (انفال (۸): ۴۶).

در این آیه قرآن کریم، مسلمانان را به وحدت در پیروی از خدا و پیامبرش دستور می دهد و از تنازع و مشاجره جهت پیشگیری از سستی و زبونی و اضمحلال اقتدار و

عظمتشان به طور صریح نهی می‌کند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ با تکیه بر مبانی اتحاد اسلامی، مدینه فاضله‌ای سرشار از عشق، صمیمیت، برادری، ایثار و تمامی فضائل انسانی ساخت که هنوز بشر در حسرت و آرزوی تحقق دوباره چنین جامعه‌ای به سر می‌برد.

با خودتان نزاع و مشاجره نکنید، نمی‌گویید نجنکید؛ زیرا به طریق اولی جنگیدن نیز ممنوع است، پس دستور هم این است که با یکدیگر منازعه و مشاجره (نه جنگ) نکنید که در پی آن سستی و ضعف پیدا می‌شود و پشت سر ضعف، آن شوکت و عظمت و قدرت شما از میان می‌رود. (مطهری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۱). زیرا نزاع و اختلاف، عامل انهدام کیان و شخصیت جامعه اسلامی است.

۷. ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (بقره (۲): ۲۱۳).

این آیه به روشنی پرده از روی این حقیقت بر می‌دارد و به طور واضح اعلام می‌کند که انسان‌ها، با قطع نظر از اختلاف سلیقه، به لحاظ سادگی در چگونگی زندگی و عدم پیچیدگی در اندیشه و آرمان‌ها، نوعی اتحاد و اتفاق داشته‌اند، گرچه این همبستگی به تبع فکر و اندیشه آنان، بسیار پیش پا افتاده و ساده بوده است. ولی به همان مقیاس که سطح فکری آنان رشد می‌کند و رو به جلو می‌رود، به همان اندازه این همسویی رو به افول می‌گذارد. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۸۲).

یکی از مسائل اختلافی که در عرصه زندگی انسان‌ها به وقوع می‌پیوندد، اختلاف و ناهمگونی در خود «دین» است. دینی که مایه رفع اختلافات بود و می‌بایست همچنان نقش خود را بالنده‌تر ایفا کند، به تدریج در خود آن اختلاف ایجاد شد. این نوع اختلافات که در مقیاس وسیع ابراز وجود می‌کرد، چیزی نبود که طبیعت کلی بشر آن را بر روابط انسان‌ها تحمیل کرده باشد، بلکه ناشی از انحراف، لجاجت، طغیانگری و

حسادت‌های خود حاملان دین بوده است. (طباطبایی، همان، ج ۱۱، ص ۸۱؛ ج ۱۸، ص ۴۱-۴۲؛ ج ۱۰، ص ۴۱-۴۲؛ ج ۲، ص ۱۸۲). تفسیر نمونه سیر تحول زندگی و فکری انسان‌ها را با بهره‌گیری از آیه ۲۱۳ سوره بقره، در چند مرحله؛ یعنی وحدت ابتدایی، شکل‌گیری اجتماع، بروز اختلافات و تشریح دین، هشدار انبیا، تمسک به تعلیمات پیامبران، چهره تازه از اختلافات ناشی از ستمگری و بغی، شکل‌گیری مؤمنان و کافران فهرست می‌کند. (مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۲، صص ۹۴ و ۹۵)

با ظهور مکتب نجات‌بخش اسلام و آخرین دین خدا، در سرزمین آشفته و بحران‌زده‌ای که سال‌های طولانی در آتش اختلافات ناشی از پیش پا افتاده‌ترین مسائل می‌سوخت، یکباره آلام و دردهای بی‌درمان مردمان آن سرزمین تسکین یافت و شعله‌های جنگ و نسل‌کشی فروکش کرد. جزیره‌العرب که مهد خشونت و بی‌رحمی بود و بلند آوازه‌ترین بت‌های جهالت و خدایان خرافات را در خود داشت، مبدل به کانون الفت و مهربانی و پایگاه خدا باوری گردید. انسان‌هایی که روزگاری تشنه خون همدیگر بودند و سایه برادرشان را با تیره‌های کینه و حسادت نشانه می‌گرفتند، به جایی رسیدند که الگوی ایثار و از خود گذشتگی در راه دین خدا و نماد همبستگی پیروان آن قرار گرفتند.

جنگ‌ها و کشمکش‌های یک‌صد و چهل ساله (رشید رضا، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۲؛ طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، ج ۱-۲، ص ۸۰۵). میان دو قبیله «اوس» و «خزرج»، نمونه بسیار روشن و آشکاری است که در سایه دین اسلام، خاموش گردید و کینه‌ها و عداوت‌های این سال‌های طولانی جای خود را به برادری و صمیمیت بخشید؛ به گونه‌ای که قرآن کریم این صمیمیت و برادری و حلاوت میان آن دو قبیله را به عنوان «نعمت» بزرگ به رخ مسلمانان می‌کشد و هشدار می‌دهد که این نعمت را از یاد نبردند و مدیون آن باشند. (آل عمران (۳): ۱۰۳).

۸. ﴿إِنَّ الَّذِينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَأَسْتَمِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ (آل عمران (۳): ۱۰۳).

خداوند در این آیه، راه کسانی را که تفرقه ایجاد می‌کنند، از راه پیامبر ﷺ جدا دانسته و پیامبر ﷺ را مسؤول سعادت و شقاوت آنها نمی‌داند. ضمناً خداوند در این آیه بیزاری خود و پیامبرش را از هرگونه تفرقه اعلام می‌دارد و به تفرقه افکنان و گروه گرایان می‌گوید: کار آنها با خداست و اوست که با مجازات، آنان را از کردار زشت‌شان آگاه خواهد کرد. (ابوزهره، بی‌تا). (بی آزار شیرازی، ۱۳۷۰ ج ۱، ص ۱۶۰).

۹. ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...﴾ (فتح (۴۸): ۲۹)

دو صفت متضاد «شدت» و «رحمت»، بلندترین و جاودانه‌ترین پیام همبستگی و همسویی مسلمانان را همراه با گذشت و اغماض درون خودی، قاطعیت و کوتاه نیامدن از اهداف کلی و اصولی دین و آرمان‌های اسلامی، در برابر دشمنان دین که سرستیز و سازش‌ناپذیری دارند، با رساترین صدا اعلام می‌کند.

۱۰. ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ

إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ...﴾ (شوری (۴۲): ۱۳).

خداوند در این آیه نیز مسلمانان را از تفرقه و اختلاف برحذر می‌دارد.

۱۱. ﴿... فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ...﴾ (نساء (۴): ۵۹).

خداوند در این آیه یادآور می‌شود که اگر میان مسلمانان در امری اختلافی پدید آمد، به خدا و رسول او رجوع کنید و حول دستورات خدا و رسول اکرم ﷺ اختلاف خود را حل کنید. قرآن وجود پیامبر ﷺ را محوری برای همبستگی و یگانگی مسلمانان می‌شناسد. (مجادله (۵۸): ۲۲).

### ضرورت وحدت اسلامی از منظر روایات

با تعمق و بررسی در منابع روایی که در طول قرون و اعصار مختلف توسط محدثان و رجال حدیثی فریقین در دسترس جامعه اسلامی قرار گرفته است، اتحاد و وحدت مسلمین از جایگاه رفیع و با عظمتی برخوردار است و رفتار و گفتار معصومین عليهم السلام خصوصاً رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم گواه بر این ادعاست. به طوری که



نمونه بارز این الفت و یگانگی را می‌توان در صفوف نمازهای جماعت مشاهده نمود که تا چه اندازه رسول خدا ﷺ و سائر به آن عنایت داشته و مسلمانان هم عصر آن بزرگوار به آن اهتمام می‌ورزیدند و مسجد هم به عنوان بزرگترین مرکز اتحاد و یگانگی مسلمانان که با اجتماع در آن، مهمترین معضلات سیاسی و اجتماعی را سامان می‌بخشیدند مطرح بوده است.

در نگاه ژرف پیامبر ﷺ، درون‌مایه اصلی وحدت و اتحاد بین مسلمانان از هر قوم و نژاد و ملیت، «ایمان به خدا» است. به همین دلیل در صدد خالص و ناب گردانیدن ایمان‌ها و باورها برآمده و معتقد بودند که هر چه این خلوص و صفا فزونی یابد، مهرها و مودت‌ها و محبت‌ها نیز رو به تزاید می‌رود و دل‌ها به هم می‌پیوندند و به وحدت و صمیمیت و اتحاد می‌رسند.

رسول خدا ﷺ در مناسبت‌های مختلف این مطلب را گوشزد کرده‌اند؛ از آن جمله فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى رَضِيَ لَكُمْ ثَلَاثًا وَ كَرِهَ لَكُمْ ثَلَاثًا رَضِيَ لَكُمْ أَنْ لَا تَعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ أَنْ تَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفْرَقُوا وَ أَنْ تَسْمَعُوا وَ تُطِيعُوا وَ أَنْ تَنْصَحُوا اللَّهَ مِنْ وَلِيِّ أَمْرِكُمْ وَ كَرِهَ لَكُمْ قِيلَ وَ قَالَ وَ كَثْرَةَ السُّؤَالِ وَ اصْاعَةَ الْمَالِ» (متقی هندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۷ و ج ۱۵، ص ۸۲۸)؛ و در جای دیگر فرمودند: «الجماعة رحمة و الفرقة عذاب» (همان، حدیث ۲۲۴۲)؛ و در جایی دیگر می‌فرمایند: «و لا تختلفوا فإن من كان قبلکم اختلفوا فهلکوا» (همان، ج ۱، ص ۱۷۷).

پیامبر اکرم ﷺ در روایات بسیاری، بر لزوم و ضرورت وحدت با عبارات گوناگون تأکید کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشِيدُ بَعْضُهُ بَعْضًا» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۴ ص ۴۷۷)؛ و نیز فرموده است: «الْمُؤْمِنُونَ كَالنَّفْسِ الْوَاحِدَةِ» (همان)؛ و باز می‌فرماید: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَزَاهُمِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا اشْتَكَى بَعْضُهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهَرِ وَ الْحُمَى». (همان).

حضرت علی عليه السلام بزرگ پرچمدار وحدت و انسجام میان مسلمانان بارها اعلام

کردند که نقد حکومت و حتی مخالفت با آن تا آنجا پذیرفتنی است که باعث شکست اتحاد جامعه اسلامی نشود. آن حضرت می‌فرماید:

«إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ تَمَالَّثُوا عَلَى سَخَطَةِ إِمَارَتِي، وَ سَأَصْبِرُ مَا لَمْ أَخَفْ عَلَى جَمَاعَتِكُمْ، فَإِنَّهُمْ إِنْ تَمَّمُوا عَلَى فَيَالَةَ هَذَا الرَّأْيِ انْقَطَعَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹). این گروه (فتنه انگیز) به علت خشم بر حکومت من به یکدیگر پیوسته‌اند و من تا هنگامی که بر اجتماع شما خائف نشوم، صبر و تحمل می‌کنم و اگر آن‌ها به این افکار سست و فاسد (و نقشه‌های شوم) ادامه دهند، نظام جامعه اسلامی از هم گسیخته خواهد شد (و در چنین شرایطی صبر نخواهم کرد).

حضرت علی عليه السلام با این که خلیفه و جانشین پیامبر صلى الله عليه وآله بود، اما با مقام والایی که داشتند به جای آن که جنگ و جدال به راه اندازند، به کسانی که دانسته یا ندانسته نزد ایشان آمدند تا در برابر ابوبکر با وی بیعت کنند، فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ سُقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُنَنِ النَّجَاةِ وَ عَرِّجُوا عَنْ طَرِيقِ الْمُنَافَرَةِ وَ ضَعُوا تَبِجَانَ الْمُنَافَرَةِ؛ أَفْلَحَ مَنْ مَهَّضَ بِجَنَاحِ أَوْ اسْتَسَلَّمَ فَأَرَّاحَ. هَذَا مَاءٌ آجِنٌ وَ لُقْمَةٌ يَغْصُ بِهَا أَكْلُهَا وَ مَجْتَنِي الثَّمَرَةَ لِغَيْرِ وَقْتِ إِيْنَاعِهَا كَالزَّرَاعِ بِغَيْرِ أَرْضِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۵)؛ ای مردم! امواج فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات بشکافید و از راه اختلاف پراکندگی و دشمنی کنار آید و تاج‌های تفاخر و برتری جویی را از سر بنهید! آن کس که با داشتن بال و پر (یار و یاور) قیام کند یا در صورت نداشتن نیروی کافی، راه مسالمت پیش گیرد و راحت شود رستگار شده است. این (زمامداری بر مردم) آبی متعفن و لقمه‌ای گلوگیر است (و اگر فرمان الهی نباشد تن به آن در نمی‌دهم)! (این را نیز بدانید) کسی که میوه را پیش از رسیدن بچیند همانند کسی است که بذر را در زمین نامناسب، همچون کویر و شوره‌زار بپاشد (که سرمایه و نیروی خود را تلف کرده و نتیجه‌ای عاید وی نمی‌شود).

حضرت علی عليه السلام که تنها هدفش حفظ مکتب و وحدت بود، به خاطر مقامات ناچیز دنیوی، کینه کسی را به دل نمی‌گرفت. همین که با خلفا بیعت کرد، نظر خود را

نگاه داشت و در پنهان و آشکار با آنان صمیمانه رفتار کرد و علیه آنان حيله و دسيسه‌ای که معمول سياستمداران طاغوتي است، به کار نبرد. آن حضرت در خطبه معروف شقشقيه می‌فرماید: «فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحَجَى فَصَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا، أَرَى تُرَائِي تَهْبًا» (همان، خطبه ۳)؛ سرانجام دیدم بردباری و شکیبایی در برابر این مشکل، به عقل و خرد نزدیکتر است، به همین دلیل شکیبایی پیشه کردم (نه شکیبایی آمیخته با آرامش خاطر، بلکه) در حالی که گویی در چشم خاشاک بود و استخوان راه گلویم را گرفته بود؛ چرا که با چشم خود می‌دیدم میراثم به غارت می‌رود. امام علی عليه السلام در خطبه دیگری دست رحمت خدا را کمک و یاور جماعت می‌داند و می‌فرماید: «و الزموا السواد الاعظم، فان يد الله علي الجماعه و اياكم و الفرقة فان الشاذ من الناس للشيطان كما ان الشاذ من الغنم للذئب» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷).

امام علی عليه السلام ضمن خطبه‌ای، در نکوهش یاران خود در یکی نشدن تحت لوای اسلام، این تفرقه و جدایی را مایه شکست آنان از گروهی می‌داند که در باطلشان متحد بوده و هم رأی هستند. ایشان می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَأَظُنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ سَيَدُ الْوَلُونَ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَى بَاطِلِهِمْ وَ تَفَرُّقِهِمْ عَنْ حَقِّكُمْ، وَ بِمَعْصِيَتِكُمْ إِمَامَكُمْ فِي الْحَقِّ وَ طَاعَتِهِمْ إِمَامَهُمْ فِي الْبَاطِلِ» (همان، خطبه ۲۵).

در منابع روایی اهل سنت نیز روایات فراوانی درباره وحدت و ضرورت برادری و انسجام اسلامی، وجود دارد که به دلیل اختصار به برخی از آن روایات اشاره می‌شود:

۱. انَّ الْمُسْلِمِينَ يَدُ وَاحِدَةٌ عَلَى مَنْ سَوَاهُمْ وَ اَنْ لَا يَخْرُجَ مِنْ جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ اِلَّا مُفَارِقًا مُعَانِدًا لَهُمْ مَظَاهِرَ عَلَيْهِمْ؛ (طبرانی، بی‌تا، ج ۶ ص ۳۰۵؛ مجلسی، ۱۳۸۵ ش، ج ۲۸ ص ۱۰۴).
۲. انَّ الْمُؤْمِنَ مِنْ اَهْلِ الْاِيْمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّاسِ مِنْ الْجَسَدِ يَأْلَمُ الْمُؤْمِنُ لِأَهْلِ الْاِيْمَانِ كَمَا يَأْلَمُ الْجَسَدُ لِمَا فِي الرَّاسِ. (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ ق، ج ۴ ص ۲۲۴).
۳. اَلَا اِنَّ الْمُسْلِمَ اِخُو الْمُسْلِمِ فَلَيْسَ يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ مِنْ اَخِيهِ شَيْءٌ اِلَّا مَا اَحَلَّ مِنْ نَفْسِهِ. (ترمذی، ۱۹۸۳ م، ج ۴ ص ۳۳۷، ح ۵۰۸۲؛ ابن ابی جمهور احسائی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳، ص ۱۸۴).

۴. لا تقاطعوا و لا تدابروا و لا تباغضوا و لا تحاسدوا و كونوا عباد الله اخواناً و لا يحلّ لمسلم ان يهجر اخاه فوق ثلاث. (مسلم بن حجاج، بی تا، ج ۸ ص ۱۰، حدیث ۸؛ صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۱۸۳).

۵. عَنْ عَرَفَجَةَ بْنِ شَرِيحِ الْأَشْجَعِيِّ قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْمُنْبَرِ يَخْطُبُ النَّاسَ فَقَالَ: إِنَّهُ سَيَكُونُ بَعْدِي هَنَاتٌ وَ هَنَاتٌ فَمَنْ رَأَيْتُمُوهُ فَارِقَ الْجَمَاعَةَ أَوْ يُرِيدُ يُفَرِّقُ أَمْرَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَأَنَّهَا مَنْ كَانَ فَاقْتُلُوهُ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ يَرْكُضُ. (نسائی، ۱۳۴۸ق، ج ۷، ص ۹۲).

۶. عَنْ أُسَامَةَ بْنِ شَرِيكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّمَا رَجُلٍ خَرَجَ يُفَرِّقُ بَيْنَ أُمَّتِي فَأَضْرِبُوا عُنُقَهُ. (مزی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۹۱).

#### ضرورت وحدت اسلامی از منظر عقل

بعد از بررسی، ضرورت وحدت و انسجام در قرآن و روایات، و معلوم شدن اهمیت و تأکید دلایل نقلی مسلمانان، بر وحدت و هم‌گرایی، در ادامه شایسته و به جا است که این مسئله از طریق دلیل عقلی نیز مورد بررسی و کاوش قرار گیرد. لازم به ذکر است در این قسمت با توجه به اهدافی که درباره وحدت مطرح می‌شود و همچنین در راستای آثاری که وحدت برای جامعه به همراه دارد، دلایل عقلی، ما را به مواردی رهنمون می‌سازد که از طریق آن‌ها می‌توان به ضرورت وحدت رسید.

#### ۱. بقای ملت‌ها و ضرورت وحدت

جهان امروز با چهره‌ای دژخیمانه‌ای که به بشریت نشان داده است بیش از هر زمان نیاز انسان و جامعه انسانی به عدالت را فریاد می‌زند. گرچه در دهه‌های اخیر بیش از هر زمان دیگری در تاریخ بشریت از صلح و ثبات و امنیت و حقوق بشر سخن گفته می‌شود و بانگ‌های این چنینی گوش خراشانه شنیده می‌شود اما چهره حقیقی امروز تاریخ چنین نیست. در کنار بانگ امنیت و حقوق بشر روزی در بوسنی و هرزگوین جنگ و قتل و ظلم رغم می‌خورد و روزی در قانا انسان‌های بی‌گناه

جنایت‌ها می‌بینند و روزی مردم عراق توسط تصمیم‌گیران صلح جهانی مورد حمله وحشیانه قرار می‌گیرند و روزی یک مسلمان بر مسلمان دیگر خشونت‌آمیز به قتل و غارت و تجاوز می‌پردازد.

در چنین شرائطی ضرورت تبیین دقیق اندیشه‌های اصیل اسلامی که اجرای قسط و عدل در گستره گیتی است یک وظیفه انسانی بر دوش هر مسلمان است. در راستای تبیین دقیق و کامل اندیشه‌های اسلامی عزم و همت همه جانبه امت مسلمان یک ضرورت به نظر می‌رسد و این مهم وحدت امت اسلامی را می‌طلبد.

## ۲. ضرورت وحدت برای تمدن اسلامی

یکی از دلایلی که جامعه اسلامی را به ضرورت وحدت رهنمون می‌گرداند؛ رسیدن به تمدن بزرگ اسلامی است که خداوند در قرآن کریم وعده تحقق آن را داده است: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ (توبه (۹): ۳۳) تمدن اسلامی که حاصل رشد همه جانبه آحاد و امت اسلامی در ابعاد مختلف علمی، اندیشه‌ای و اجتماعی است، جز با اهتمام همه امت اسلامی بر این مهم محقق نمی‌گردد. در توضیح این مهم ابتدا به تبیین تمدن اسلامی پرداخت و سپس به جایگاه و نقش وحدت در این امر بذل توجه نمود.

### تمدن اسلامی

تمدن در زبان عربی از واژه مدن مشتق شده است که به معنای در مکانی اقامت کردن (جوهری ۱۴۰۷ق، ج ۶ ص ۲۲۰۱). و در لغت تمدن به معنای شهرنشین شدن است و این واژه برای زندگی انسان در جامعه و عبور از بربریت استفاده می‌شود. در زبان انگلیسی، واژه civilization معادل تمدن یا حضاره است. این واژه از لغت لاتینی civis به معنی شهروند یا شهرنشین گرفته شده و برای دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت مورد استفاده قرار گرفته است که دستاورد شهرنشینی است یا برای پیشرفت و ترقی افراد و جمعیت‌هایی که در شهرها زندگی می‌کنند (سپهری، ۱۳۸۵ش، ص ۳۵) استفاده می‌شود؛ یونانیان با استفاده از واژه civilization شهر را

مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانستند. (فوزی و صنم زاده، سال سوم ۱۳۹۱ ش، شماره ۹).

ابن خلدون مؤلفه‌های مدنیت را جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش، هنر، جغرافیا، شهرنشینی، دین و عصبیت دانسته است. (آدمی ابرقویی، ۱۳۸۷ ش، ص ۳۹). وی حضارت را یکی از مراحل زندگی جامعه دانسته است که مرحله بدایت آن را به کمال می‌رساند. (سپهری، ۱۳۸۵ ش، ص ۳۱).

تمدن اسلامی عبارت است از تمدنی که انسان در آن تمدن بر اساس آموزه‌های متعالی اسلام، به رشد و سعادت در دنیا و آخرت و همچنین در همه ابعاد فردی و اجتماعی دست می‌یابد و هدف نهایی از وجود انسان که رسیدن به کمال مطلوب است را ایجاد کند و این مهم در اندیشه اسلامی جز از طریق عمل فرد و جامعه به همه دستورات اسلامی حاصل نمی‌شود. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲)

با توجه به خاتمیت و جامعیت اسلام که مورد پذیرش هر مسلمانی است، وجود اندیشه تمدن ساز در اسلام یک ضرورت به نظر می‌رسد. اگر اسلام به عنوان دین خاتم قرار است اداره امور بشر تا پایان عمر بشریت را بر عهده بگیرد و سعادت دنیا و آخرت او را تنظیم کند؛ این مهم جز با وجود برنامه جامع و کامل برای فرد و جامعه انسانی محقق نمی‌شود و این برنامه جامع و کامل که تمامی شؤون مختلف بشر را در بر بگیرد؛ در تمدن اسلامی قابل دست‌یابی است. تمدن اسلامی فضایی است که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام اسلامی این است. (همان) در این تعریف ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بشر مطرح شده است که منجر به تکامل او و قرب به خدا می‌شود. (اکبری و رضائی، ۱۳۹۴ ش، دو فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، مقاله ۴، دوره ۳، شماره ۵).

با توجه به آنچه در خصوص تمدن اسلامی گذشت، نسبت به وحدت آفرینی تمدن اسلامی و ضرورت وحدت برآمده از آن، دو نکته حائز اهمیت است:

#### نکته اول: اسلامی بودن، وصف تمدن است

یکی از نکاتی که از نظر به تمدن اسلامی به ضرورت وحدت پی می‌بریم، نظر به وصف اسلامی بودن تمدن در نگاه اندیشمندان اسلامی است. با توجه به این که اصطلاح تمدن اسلامی پس از تقسیم‌های فرقه‌ای اسلامی ایجاد شد؛ اسلامی بودن تمدن نشان از تمرکز بر مباحث مشترک اسلامی در تمدن سازی دارد و این که با توجه به وصف اسلامی بودن و مشترک بودن آن میان امت اسلامی؛ اهتمام همه امت اسلامی بر آن ضروری است.

#### نکته دوم: تمدن و نیاز به اراده مشترک

تمدن اسلامی برابر آموزه های اسلامی با اطاعت از خداوند و اطاعت از رسول ﷺ در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی حاصل می‌شود که در امتداد زمان می‌تواند نجات بخش امت از کوران حوادث تلخ باشد و این اراده واحد، خود نقطه مشترک امت اسلامی است و نقطه مشترک و هدف مشترک امت اسلامی به وحدت رهنمون می‌شود.

### ۳. ضرورت وحدت جامعه اسلامی و نفی سیطره استکبار

جغرافیای استراتژیک اسلامی که از یک سو سرشار از منابع زیرزمینی است و از سوی دیگر از راه‌های ارتباطی متنوع؛ به بازار دوردست‌ترین مناطق زمین دسترسی دارد؛ چشم چپاولگران جهان را به طمع وا داشت تا به شیوه‌های مختلف به این نقطه از زمین تسلط یابند و اندوخته‌های مادی خود را با این استعمار و چپاولگری بیفزایند. این مهم در برهه‌های مختلف تاریخی چهره‌هایی متنوعی به خود گرفت. روزگاری با جنگ‌های صلیبی به غارت فرهنگی و بروز توحش غربی خود همت گماردند و

---

۱ - رجوع کنید به عنوان «نگاهی به مسائل اقتصادی جهان اسلام» در پایگاه اطلاع رسانی حوزه.

روزگاری نیز با جنگ افروزی و خشونت با نام جنگ جهانی اول، به صورت مستقیم به این سرزمین‌های سرشار از غنای مادی تسلط یافته و مستعمرات خود را به شکل‌های مختلف تحت سیطره خود قرار دادند و در این راستا از هیچ ظلمی فروگذار نکردند. این ظلم‌ها و چپاول‌ها، همواره عزم امت واحد اسلامی را بر مقابله با زورگویی‌ها جزم می‌کرد و امتی که در برخی موارد اختلاف نظر داشتند، با احساس این استعمار، حول استعمارزدایی از جغرافیای اسلام عزیز متحد شدند. انقلاب ۱۹۲۰ عراق و تعاملات نزدیک اندیشمندان اسلامی عراق<sup>۱</sup> شاهدی بر این مهم است. دانشمندان اسلامی با پی‌بردن به این مهم اصلاح‌گرانه در پی وحدت برای زدودن استعمار از چهره امت بودند و با شیوه‌های مختلف به این امر در حد توان جامعه عمل پوشاندند. گاهی اهتمام اندیشمندان اسلامی به روشنگری نسبت به سیاستمداران اسلامی تجلی پیدا می‌کرد و گاهی این مهم در سطح بین‌المللی با تشکیل یک سازمان جامع از اندیشمندان اسلامی بروز می‌کرد و گاهی نیز به شکل یک سازمان بین‌الدولی مشتمل بر تشکیلات خاص که مجموعه‌ای از اندیشمندان اسلامی را در کنار جامعه سیاستمداران اسلامی به هم اندیشی و می‌داشت. این تلاش‌های تاریخی بیانگر توجه و اهتمام جامعه اسلامی به وحدت و ضرورت آن در برابر دنیا طلبی‌های بین‌المللی در این امر خطیر است. (حسنی، سلیم، مقاله دور علماء الشیعة فی مواجهة الإستعمار، دائرة المعارف الفقه الاسلامی، بی‌تا).

تسلط دشمنان بر جامعه اسلامی و مسلمانان، از نظر فقه اسلامی امری نادرست بوده و هرگونه ارتباطی که باعث افزایش و گسترش نفوذ غیر مسلمانان و بیگانگان در جامعه اسلامی گردد، به گونه‌ای که آنان بتوانند در امور مسلمین دخالت کنند، ممنوع می‌باشد (علی‌دوست، بی‌تا، مقالات و بررسی‌ها؛ دفتر ۷۶؛ فخر رازی، بی‌تا، ج ۸ ص ۲۶۴).

آیه شریفه با خطاب قرار دادن مؤمنان، طی حکمی نهایی و غیر قابل تغییر و تبدیل،

۱ - رجوع کنید: نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق و نقش علماء مجاهدین اسلام؛ محمد صادقی، تهران.



هرگونه تسلط و برتری و قدرت و استیلای کافران بر مسلمانان را نفی (جزایری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۵۹). و برتری مؤمنان بر کافران را اعلام می‌دارد. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۱۱۶). و حتی برخی با استفاده از این آیه به عدم تسلط حقوقی کافران بر مؤمنان نیز حکم داده‌اند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش، ج ۴ ص ۳۴۲). و هرگز این حکم به عکس نخواهد شد و با حکم این آیه در همه دوره‌ها در نهایت فتح و پیروزی از آن مؤمنان خواهد بود. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۱۱۶).

طبق برداشت از آیه، مؤمنان نیز حق پذیرفتن سلطه کافران را ندارند و هرگونه عهدنامه یا تفاهم که راه نفوذ کفار بر مسلمانان را باز کند، حرام شمرده شده است و مؤمنان وظیفه دارند تا با آن مقابله نمایند. (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۸ش، ص ۱۹۱؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش، ج ۴ ص ۳۴۲).

این آیه، بیانگر دو جنبه ایجابی و سلبی است که جنبه سلبی آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان و جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه دینی مسلمانان در حفظ استقلال سیاسی و از بین بردن زمینه‌های وابستگی است. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲ش، ج ۳ ص ۱۵۵؛ محمدی، و همکاران، ۱۳۹۳ش، شماره ۳۶، ص ۱۶۹).

شیطنت‌های امروز فرزندخواندگان شیطان هر روز شکل جدید به خود می‌گیرد و هر روز برای جامعه اسلامی نقشه‌های پیچیده‌تر در سر می‌پروراند تا به آمال و دنیاطلبی‌های خود برسند و برای این مهم ضروری است وحدت را از میان جوامع اسلامی برچینند. در این چهارچوب سزاوار است جامعه اسلامی با انواع مختلف استعمار، برخوردی شایسته و به جا در پیش گیرد. در ادامه به برخی از انواع توطئه‌های استعماری اشاره می‌شود:

#### الف) جنگ افروزی در سرزمین‌های اسلامی

گرچه امروزه در چهارچوب قوانین بین‌المللی که با ظاهرهای فریبنده؛ تلاش برای نمایش استقلال سرزمین‌های اسلامی را در برنامه دارند اما گاهی روحیه درندگی دوباره

شکل جنگ‌های صلیبی را در تاریخ زنده می‌کند و نمایشی دیگر از همان توحش را در جغرافیای اسلام زنده می‌کند. جنگ آمریکا در عراق که قتل عام مردم عراق و تجربه تلخ زندان ابوغریب و جنگ آمریکا در افغانستان به بهانه‌های واهی مقابله با تروریست نمود بارزی از اشغال سرزمین‌های اسلامی توسط غارتگران غربی است که اهمیت اتحاد اسلامی در این موارد را به واضح‌ترین شکل ممکن نشان می‌دهد. در اندیشه اسلامی حفظ جغرافیای اسلام از اهمیت به سزایی برخوردار است (فخار طوسی، ۱۳۹۴ش) و این دست اقدامات جریان‌های ضد اسلامی، می‌تواند دلیل واضحی بر لزوم وحدت امت اسلامی برای دفاع از کیان اسلام باشد و ضرورت آن در اندیشه اسلامی بر هیچ اندیشمندی پوشیده نیست.

#### ب) استعمار اقتصادی سرزمین‌های اسلامی

امت بزرگ اسلامی که بیش از یک ششم جامعه بین‌المللی موجود را در بر می‌گیرد، از ظرفیت‌های بزرگی در اقتصاد برخوردار است. از یک سو این جمعیت عظیم بشری با نیازهای اساسی و متفاوتی که می‌توانند بازار بزرگی برای محصولات متنوع به شمار آیند. (صفوی و ستاروند و بخشی، ۱۳۹۳ش) بازار مصرفی که در جامعه اسلامی برای تامین نیازهای اساسی و زیر ساخت‌های زندگی وجود دارد، چشم استعمارگران اقتصادی خیره کرده است و امروزه با تصرف این بازار؛ کسب و کار و تولید کشورهای استعمارگر رونق یافته و سرمایه‌ها و نیروهای انسانی امت اسلامی در زیر فشارهای اقتصادی حاصل از سیطره نظام سرمایه‌داری به فراموشی سپرده است. از سوی دیگر وجود سرمایه‌های عظیم مادی در نفوذ امت اسلامی نیز نمی‌توان غافل شد؛ این سرمایه‌های عظیم امروزه به شکل مواد اولیه از کشورهای اسلامی خارج و با فراوری به قیمت گزاف به همین کشورها فروخته می‌شود. در برابر این روش که به ناکارآمدی اقتصاد کشورهای اسلامی منجر می‌شود، می‌توان از ادغام سرمایه و نیروی کار امت اسلامی هم‌گردش سالم اقتصادی در میان امت اسلامی و رونق اقتصادی میان جامعه

اسلامی به وجود آورد و هم حاصل آن، بریدن دست‌ای پلید غارتگر، از بازار فرهنگی و اقتصادی جامعه اسلامی را رقم زد و این مهم، مرهون توجه امت اسلامی به مسئله وحدت و ایجاد بازار و تشکیلات اقتصادی لازم میان امت اسلامی است.

#### ج) استعمار علمی سرزمین‌های اسلامی

امت متحد اسلامی که در روزگاری سرآمد جامعه بشری در بخش‌های مختلف علمی بوده و در کنار گسترش علم خود، سرآمدی و عزت اسلامی را به رخ جهانیان می‌کشید؛ امروز با برنامه ریزی‌های استعماری به مجموعه‌ای از جوامع وابسته در عرصه علم بدل شده است که باید دستاوردهای علمی دیگر کشورها را حسب تشخیص سیاست‌گزاران جهانی مصرف کند. استعمار و انحصار طلبی علمی کشورهای توسعه طلب در روزگار ما، کار را بدانجا رساند که اندیشمندان اسلامی با ابزار مختلف از خدمت به جامعه خود کنار می‌کشند و به خدمت کشورهای به اصطلاح توسعه یافته در می‌آیند. گاهی با دعوت اندیشمندان مسلمان به کشورهای غیر اسلامی این اتفاق می‌افتد و گاهی با بهانه‌های سیاسی مانع دانش‌گستری جامعه اسلامی می‌شوند و نتیجه این سیاست‌گذاری به تعطیلی رشد علمی درون امت اسلامی و کوچ اندیشمندان به دیگر سرزمین‌ها می‌انجامد و گاهی با ابزار ترور دانشمندان، مانع رشد علمی کشورهای اسلامی می‌شوند.

جوانان پاک سیرت مسلمان که قدرت فکر و ذهن خود را با عمل به احکام اسلامی برای رشد فکری آماده نگاه داشتند تحت چنین شرایطی به رشد علمی در کشورهای غیر اسلامی دامن می‌زنند و نتیجه این سیاست چیزی جز بازماندن کشورهای اسلامی از توسعه علمی نخواهد بود. تنها راه برون‌رفت از این وضعیت نابسامان، وحدت و هم‌گرایی کشورهای اسلامی برای پاسداشت اندیشه و تفکر در جامعه اسلامی و ایجاد فضای رشد علمی درون امت اسلامی است.

#### د) استعمار فرهنگی سرزمین‌های اسلامی

یکی از اتفاقات مهم دهه‌های اخیر ابزار رسانه‌ای در خدمت جریان استعمارگر است.

از یک سو با ابزار قدرتمند رسانه در خدمت مطامع مادی خود به ترویج فرهنگ‌های مختلف خود می‌پردازند و از سوی دیگر با همین ابزار، القائات لازم را به جامعه انسانی اسلامی شیوع می‌دهند. امروز تخدیر جامعه با قدرت رسانه نسبت به امور منافی با اخلاق اسلامی از ناگوارترین رسالت‌های ابزارهای رسانه‌ای جامعه غرب شده است.

جریان استعماری با ترویج فرهنگ‌های استعماری مانند گسترش مصرف‌گرایی و اشاعه اخبار و شایعه‌های نادرست در جامعه اسلامی در پی رسیدن به اهداف شیطانی خود است. در بسیاری از موارد با استفاده از ابزارهای تفرقه افکن مانند تعصبات مذهبی و تحریک تعصبات قومی و زبانی این رسانه‌ها مانع ایجاد وحدت اسلامی می‌شوند و به صورت مستقیم هدف وحدت امت اسلامی که عالی‌ترین اهداف اسلام از صدر تاریخ ظهور آن بوده را مورد هجمه و تخریب قرار می‌دهند.

نفوذ فرهنگی در جوامع اسلامی، گاهی به قدری مخفی و ناپیداست که تنها رهبران بصیر اسلامی می‌توانند چنین تحولاتی را احساس کنند و بسیاری از سیاستمداران کشورهای اسلامی نیز در مواردی نقش مهره‌های این جریان را در جامعه اسلامی بازی می‌کنند.

ایجاد زیرساخت‌های لازم برای ایجاد رسانه‌های سالم و کامل منطبق با آموزه‌های اصیل اسلامی و پیگیری‌های بین‌المللی کشورهای اسلامی نسبت به هجمه‌های ضد فرهنگ اسلامی جز با وحدت کشورها و قدرت‌های اسلامی حول اراده و عزم الهی بر پاک ماندن فرهنگ بشر از لوث وجود اندیشه‌های شیطانی و اخبار دروغ ممکن نیست.

بنابراین با نگاه به شکل‌های مختلف استعمار که امروزه در اقصی نقاط جغرافیای اسلامی که آحاد امت اسلامی را هدف قرار می‌دهد؛ ضرورت وحدت را بیش از هر زمانی بر جامعه اسلامی هویدا می‌سازد. وحدت امتی که با تلاش خود رشد و شکوفایی علمی را رقم بزنند و با توانمندی اقتصادی به رشد و شکوفایی اقتصادی جامعه اسلامی و بروز فرهنگ تلاش و پشتکار برآمده از متن اسلام؛ نام اسلام را بیش از هر زمانی بر تارک آسمان جهان نمایان کنند. (زارعی نژاد در پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای).

#### ۴. ضرورت وحدت برای استقلال جامعه اسلامی

یکی از نکاتی که مسئله وحدت میان امت اسلامی را در این روزگار بیش از هر زمان جلوه گر می‌سازد نیاز جامعه اسلامی به استقلال است. مسئله استقلال امت اسلامی از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان اسلامی همیشه تاریخ بود. استقلال امت اسلامی از یک سو به جلوگیری از سوء استفاده‌های غیر مسلمانان از جامعه اسلامی منجر می‌شود و از سوی دیگر عزت اسلام و امت اسلامی را به رخ جهانیان می‌کشد. در عین‌گره خوردن این مسئله به استعمار، می‌توان آن را حد وسطی مستقل دانست؛ زیرا نفی سلطه بر جهات مختلف امت اسلامی خود دلیلی جدا بر ضرورت وحدت است خواه به استقلال منجر شود یا خیر و این جهت منفی ملازم است با جهتی مثبت که عبارت است از لزوم استقلال امت اسلامی است. این دو حد وسط در عین تلازم دو امر و حد وسط متفاوت به حساب می‌آیند. استقلال نیز همانند استعمار از چهره‌های مختلفی برخوردار است:

##### الف) استقلال اقتصادی

نگاه خاص اسلام که اقتصاد را در خدمت جامعه انسانی می‌داند (صدر، محمدباقر، بی‌تا، ص ۳۳۳) و در راستای این رابطه احکام خاص وضع کرده است نشان از ضرورت استقلال اقتصادی امت اسلامی دارد. نظام بانکداری در ساز و کار جهانی مبتنی بر اندیشه‌های ناقص بشری است و احکام و ویژگی‌هایی در تضاد با آموزه‌ها و احکام اسلامی دارد (صدر، بی‌تا، ص ۳۳۳) و در برخی موارد این تضاد به حدی است که برخی از دستورات نظام اقتصاد جهانی از نگاه اسلام جنگ با خدا خوانده می‌شود. این مهم یکی از شکل‌های نشانگر ضرورت استقلال اقتصادی است که جز در سایه سار وحدت حاصل نمی‌شود.

از سوی دیگر مسئله بازار مصرف کشورهای اسلامی (علوی، ۱۳۷۱ ش، شماره ۲). از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است که اهمیت آن از رشد اقتصادی و ضرورت ایجاد اشتغال در جوامع جوان اسلامی نشأت می‌گیرد. این بازار عظیم مصرف، اگر با رشد

اقتصادی و اشتغال نیروهای جوان اسلامی همراه و همسو باشد، می‌تواند در راستای اهداف اسلامی تعریف شود و این مهم جز با استقلال اقتصادی حاصل نمی‌شود و همان‌گونه که بیان شد استقلال اقتصادی نیز در سایه وحدت و انسجام به دست می‌آید.

### ب) استقلال فرهنگی

با وجود قدرت اقتصادی، علمی و صنعتی جوامع غیر اسلامی، نمی‌توان نقش نفوذ فرهنگ را در جوامع اسلامی نادیده گرفت. در جامعه امروز، استقلال اقتصادی و علمی، جز با استقلال فرهنگی که با بروز و گسترش فرهنگ اسلامی در امت اسلامی، به دست نمی‌آید. (برگرفته از سایت ایکنبا با موضوع بررسی زمینه‌های استقلال فرهنگی با استناد به آیات قرآن) در نتیجه از یک سو اهمیت فرهنگ در اندیشه اسلامی و از سوی دیگر نقش پر رنگ آن در استقلال اقتصادی و علمی، ضرورت استقلال فرهنگی را نتیجه می‌دهد.

### ج) استقلال سیاسی

نقش سیاست در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی انسان، امری غیر قابل انکار است و برنامه‌ریزی‌های کلان در عرصه‌های مختلف، تأثیر خود را بر شؤون زندگی انسانی می‌گذارد. استقلال در برنامه‌های کلان فرهنگی و اقتصادی و علمی، با برنامه‌ریزی کلان مستقل از جامعه بین‌المللی برای رسیدن به اهداف اصیل انسانی، شدنی نیست و این مهم با استقلال سیاسی جامعه اسلامی حاصل می‌شود.

استقلال سیاسی کشورهای اسلامی از جریانات سیاسی بین‌المللی، فقط با اجتماع امت و کشورهای اسلامی در مسیر اسلام اصیل و وحدت ایشان، حول اراده الهی و اراده نبوی امکان تحقق دارد.

### ۵. ضرورت وحدت در منظومه اندیشه اسلامی

اندیشه اسلامی نه تنها یک امر فردی بلکه مجموعه‌ای از گزاره‌های مختلف است که تمام شؤون زندگی انسانی را در بر می‌گیرد. با توجه به این‌که از یک سو می‌توان به

پیگیری مسئله وحدت اجتماعی در این نظام اندیشه‌ای توجه کرد، که این مهم در طول این نوشتار مورد توجه قرار گرفته است و از سوی دیگر می‌توان به برخی لوازم این امر اشاره کرد که در این نظام اندیشه‌ای، هر اندیشمندی را به وحدت رهنمون می‌سازد. در این میان چند نمونه مورد اشاره قرار می‌گیرد:

#### الف) وحدت و نظام مبتنی بر اخوت

یکی از مؤلفه‌های نظام اسلامی وجود رابطه اخوت اسلامی در میان افراد جامعه است. طرح مسئله اخوت در میان جامعه اسلامی، می‌تواند هر صاحب اندیشه‌ای را به وحدت رهنمون سازد، اوج رابطه اتحادی میان جامعه اسلامی، ترسیم اخوت میان افراد این جامعه است. قرآن کریم در مقام توصیف جامعه اسلامی رابطه میان آحاد جامعه را به صورت اخوت تصویر می‌کند. (میرعرب، بی‌تا).

قرآن برای از بین بردن روحیه انفراد و حاکمیت جماعت، راهبرد «اخوت و برادری» مسلمانان را - به رغم نبود ارتباط سببی و نسبی - برگزیده است، تا از این طریق دستورات حیات بخش اسلام را که بخش عمده‌ای از آن‌ها تنها در سایه اتخاذ چنین رویکردی قابلیت ظهور و شکوفایی دارند، به عرصه عمل و اجرا وارد سازد، تا فرد مسلمان بتواند زمینه رشد و تعالی بخشی خود را فراهم آورد. بر این اساس قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (حجرات (۴۹): ۱۰) قرآن در صدد گسترش روحیه برادری در بین عموم مردم خصوصاً مسلمانان است، به همین جهت خداوند تمام مؤمنان را برادر یک‌دیگر خطاب کرده است. دین اسلام برادری ایمانی را در آموزه‌های خود جای داده و از سوی دیگر می‌دانیم لازمه این برادری وحدت و اتحاد اسلامی است پس از طریق یک آموزه اسلامی به ضرورت وحدت دینی نائل آمدیم.

#### ب) عزت و شکوه اسلام

یکی از مؤلفه‌های مورد اتفاق جامعه اسلامی که در منابع دینی نیز مورد اشاره و توجه قرار گرفت، عزت جامعه اسلامی است که این مهم در گرو اتفاق امت اسلامی بر

مشترکات و تلاش امت اسلامی حول محورهای اسلامی است که مورد اشتراک همه افراد می‌باشد. با تفرقه و اختلاف، نه تنها عزتی برای امت واحده اسلامی درون امت باقی نمی‌ماند، بلکه با بروز ضعف جامعه، هر شیطان دون صفتی به خود جرأت جسارت بر امت اسلامی و ارزش‌های والای آن را خواهد داد.

از نظر امام علی علیه السلام اتحاد عامل شوکت و عزت و سر بلندی جامعه اسلامی است، ایشان در یکی از خطبه‌های خود فرمودند: «وَأَلْعَرَبُ الْيَوْمَ وَإِنْ كَانُوا قَلِيلًا فَهُمْ كَثِيرُونَ بِالْإِسْلَامِ عَزِيزُونَ بِالْإِجْتِمَاعِ» (قباچی، ۱۳۷۵ ش، ج ۵، ص ۴۰۴). عرب امروز گر چه از نظر تعداد اندک است، اما با نعمت اسلام، فراوان و با اتحاد، عزیز هستند. سید جمال‌الدین اسد آبادی در این باره می‌گوید: «هرگاه امتی را دیدی که افرادش به وحدت و یگانگی تمایل دارند به آن امت مژده بده که خداوند در جهان آفرینش برای آن امت، آقایی و والایی و برتری بر سایر ملت‌ها مقدر کرده است». (اسد آبادی، بی‌تا، ص ۱۹۰). وحدت باعث عزت و سر بلندی همه جانبه جامعه اسلامی از طریق توسعه ارتباطات و تبادل تجربه‌ها می‌شود و در نهایت رفاه مادی و معنوی مسلمانان را فراهم می‌سازد و این امر به نوبه خود زمینه را برای پذیرش اصول و ارزش‌های اسلامی به عنوان ارزش‌های برتر فراهم می‌سازد و در این صورت جامعه اسلامی به عنوان الگو معرفی می‌شود و اگر چنین شد سبب گرایش غیر مسلمانان به اسلام خواهد شد.

### ج) جهانی شدن فرهنگ و سبک زندگی و ارزش‌های اسلامی

اسلام به عنوان اندیشه برتر و بهترین راهکار برای سعادت و کمال روحی و جسمی هر فرد و جامعه انسانی؛ در پی ابراز و اظهار این برنامه کامل و جامع در راستای رشد و تعالی جامعه بشری است. اظهار و بروز اندیشه اسلامی با اعتلای اسلام عزیز در جامعه بین‌المللی حاصل می‌شود. از دیگر سو بر هر مسلمانی روشن است که جهانی شدن فرهنگ و ارزش‌های اسلام از آرمان‌های اصیل و آرزوهای دیرینه برای امت بزرگ اسلامی است. بی‌شک در صورت بروز اختلاف و تفرقه و صرف دستاوردهای



جامعه اسلامی در راستای سرکوب جریان‌های مذهبی مقابل، هرگز نه استعداد‌های امت اسلامی فرصت بروز و ظهور پیدا می‌کنند و نه درآمدهای عظیم این امت صرف ترویج فرهنگ و اندیشه اسلامی و اعتلای اسلام و نجات جهان از دست خون آشامان دنیاخواه خواهد شد. لذا با توجه به نگاه امت اسلامی نسبت به جهانی شدن اسلام، مهم‌ترین راه برای امت اسلامی در راستای اعتلای اسلام عزیز و بروز و ظهور اندیشه نجات بخش اسلام؛ وحدت امت و جامعه اسلامی حول مشترکات و گسترش اسلام عزیز خواهد بود و تنها در صورت وحدت حول محورهای اسلامی است که این آرزوی دیرینه امت محقق خواهد شد و عدل و داد در جهان گسترش خواهد یافت.

#### (د) حرکت به سمت حاکمیت جهانی اسلام

اگر عالمان اسلامی بپذیرند که بر اساس قرآن؛ پیامبر ﷺ آمده تا جامعه اسلامی از ایشان اطاعت نمایند و با انجام دادن دستورات ایشان، زندگی و جامعه به سمت هدایت سوق پیدا می‌کند و اگر اندیشمندان اسلام بپذیرند که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (نساء: ۳: ۶۴).

اقامه‌ی قسط و عدل و رفع ظلم و ایجاد زندگی صحیح برای بشر، هدف ادیان است، پس باید در جهت حاکمیت اسلام در جهان قدم بردارند و این مسئله در جوامع اسلامی و سایر کشورها، امری ممکن است.

علما و روشنفکران و متفکران، جهت حرکتشان به سمت حاکمیت اسلام باشد و این حرکت، اگر با اتحاد و هم‌دلی همه بزرگان و عالمان مذهبی، همراه باشد حرکت موفق‌تری خواهد بود و نتیجه می‌دهد و الا اگر این‌طور نباشد، تمام تلاش‌ها بی‌ثمر می‌گردد. لذا در راستای حرکت به سمت حاکمیت جهانی اسلام، وجود اتحاد و انسجام، امری ضروری می‌باشد.

بنابراین جامعه اسلامی در پرتو اتحاد و هم‌گرایی، می‌تواند به نعمات الهی و برکات رسیده و رحمت خداوند شامل حال‌شان شود و در سختی‌ها و شدائد، مورد نصرت

الهی واقع گردند، که توجه به این مسائل می‌تواند ضرورت وحدت را برای هر فرد منصفی، نتیجه دهد.

بنابراین با توجه به نکات فوق، ضرورت وحدت و اتحاد میان مسلمانان به دست می‌آید و مسلمان می‌بایست در راستای اعتلای اسلام و حرکت به سمت جهانی شدن اسلام، از اختلافات و جنگ‌های طایفه‌ای بپرهیزند و تا با استفاده وحدت و هم‌گرایی، بر دشمنان خویش فائق آیند.

#### نتیجه

با توجه به آنچه نسبت به ضرورت وحدت امت اسلامی مطرح شد می‌توان نتیجه گرفت در اسلام درباره مسئله وحدت تأکید زیادی وارد شده است و آیات و روایات فراوانی نیز در این باره وجود داشت و مورد بررسی قرار گرفت. در سایه همین اتحاد نیرومند و مقدس، و جمعیت فشرده و هماهنگ بود که مسلمانان در صدر اسلام توانستند در برابر آن همه دشمنان فراوان، ایستادگی به خرج دهند. اسلام به اندازه‌ای نفاق را منفور شمرده که آن را در ردیف عذاب‌های آسمانی قرار داده است. (انعام ۶):

۶۵ مسئله وحدت از یک سو امری بدیهی و مسلم نزد هر انسان اندیشمند و آزاده‌ای است و از سوی دیگر برخی حد وسط‌های دیگر وجود دارد که به ضرورت وحدت منجر می‌شود که از آن میان می‌توان به مسئله تمدن اسلامی و نفسی استعمار و لزوم استقلال و مؤلفه‌های منظومه فکری اسلامی را مورد توجه قرار داد. این امور هم به عنوان دغدغه امت و اندیشمندان اسلامی مطرح است و هم در منابع دینی می‌توان رد پای این امور را کشف و اصطیاد نمود.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی جمهور احسائی، *عوالی اللثالی*، قم، کتابخانه آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ ق.
۴. ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل، *تفسیر القرآن العظیم*، دار الکتب العلمیه، بیروت، منشورات محمد علی بیضون، اول، ۱۴۱۹ ق.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمن، *مقدمه*، ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
۶. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق، دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۷. ابو حیان الاندسی، محمد بن یوسف، *البحر المحیط فی التفسیر*، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ ق.
۸. ابوزهره، شیخ محمد، *مقاله قرآن و وحدت اسلامی*، ترجمه سید محمد صادق سجادی، بی جا، بی تا.
۹. آدمی ابرقویی، *درآمدی بردانشگاه تمدن ساز اسلامی، بایسته های نظری*، مقدمه محمد باقر خرمشاد، تهران، انتشارات دفتر برنامه ریزی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. اسد آبادی، سید جمال الدین، *العروة الوثقی*، قاهره، بی تا.
۱۱. اکبری، مرتضی و فریدون رضایی، *واکاوی شاخصه های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری*، دو فصلنامه گوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۳، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش.
۱۲. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، المحقق محمد زهیر بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقیم محمد فؤاد عبد الباقي)، ۱، ۱۴۲۲ ق.
۱۳. بخشی، معصومه، *عوامل وحدت و انسجام در قرآن و سنت*، تهران، بی تا.
۱۴. *بررسی زمینه های استقلال فرهنگی با استناد به آیات قرآن*. <http://www.iqna.ir>
۱۵. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، *رسالت انقلاب اسلامی ایران در توحید کلمه*، تهران، ۱۳۷۰ ش.

۱۶. ترمذی، سنن الترمذی، تحقیق و تصحیح عبد الرحمن محمد عثمان، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. جزایری، ابوبکر جابر، ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، مدینه، مکتبه العلوم و الحکم، ۱۴۱۶ ق.
۱۸. جعفری، محمد تقی، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ ش.
۱۹. جوهری فارابی، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق، أحمد عبد الغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، ج ۴، ۱۴۰۷ ق - ۱۹۸۷ م.
۲۰. حسنی، سلیم، دور علماء الشیعة فی مواجهة الإستعمار، دائره المعارف الفقه الاسلامی، انتشارات محمد، بی تا.
۲۱. حکیم، سید محمد باقر، الوحدة الاسلامیة من منظور الثقلین، قم، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۴۲۵ ق.
۲۲. رازی، فخر الدین، التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، قاهره، دارالحديث، بی تا.
۲۳. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۴، ص ۲۲؛
۲۴. رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ ش.
۲۵. رضایی، اسدالله، ضرورت انسجام میان مسلمانان از دیدگاه قرآن، مندرج در مجله طلوع، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۸۶ ش.
۲۶. زارعی نژاد، غلامحسین، استعمار فرانو، پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای، (khamenei.ir).
۲۷. زنجشیری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دار الكتاب العربی، بیروت، سوم، ۱۴۰۷ ق.
۲۸. سپهری، محمد، تمدن اسلامی در عصر امویان، تهران، نورالثقلین، ۱۳۸۵ ش.
۲۹. سجادی، عبداللطیف، اخوت و برادری در اسلام، تهران، انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۳۰. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۳۱. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، فی ظلال القرآن، دار الشروق، بیروت؛ قاهره، هفدهم، ۱۴۱۲ ق.

۳۲. شحاته، عبدالله، *تفسیر القرآن الکریم*، قاهره، دار غریب، ج ۲، ۲۰۰۰ م
۳۳. شوکانی، محمد بن علی بن محمد، *فتح القدر*، بیروت، عالم الکتب، بی تا.
۳۴. صادقی، محمد، *نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق و نقش علماء مجاهدین اسلام*، تهران، بی تا.
۳۵. صدر، محمدباقر، *اقتصادنا*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا.
۳۶. صفوی، حمزه و ستاروند، احمد و بخشی، جواد، *اقتصاد جهان اسلام*، گزارش مرکز آموزشی و پژوهش اجتماعی، اقتصادی و آماری کشورهای اسلامی، تهران، موسسه آینده پژوهی جهان اسلام، ۱۳۹۳ ش.
۳۷. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۳۸. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج ۲، ۱۳۹۰ ق.
۳۹. طبرانی، سلیمان بن احمد، *معجم الاوسط*، تحقیق، تحقیق و تخریج حمدی عبد المجید السلفی، قاهره دار احیاء التراث العربی، ج ۲، بی تا.
۴۰. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق با مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۴۱. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، دار المعرفة، بیروت، اول، ۱۴۱۲ ق.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن، *تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق با مقدمه شیخ آغا بزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، بی تا.
۴۳. علوی، سید محمد تقی، *بازار مشترک اسلامی*، مجله معرفت شماره ۲، سال ۱۳۷۱ ش.
۴۴. علیدوست، ابوالقاسم، *قاعده نفی سیل*، مقالات و بررسی ها؛ دفتر ۷۶، بی جا، بی تا.
۴۵. فخار طوسی، جواد، *الدفاع عن البلدان الاسلامیة دراسة فقهیة مقارنہ*، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۹۴ ش.
۴۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، تحقیق د. مهدی المخزومی و د. ابراهیم السامرائی، ج ۲، ۱۴۰۹ ق.
۴۷. فوزی، یحیی و صنم زاده، محمود رضا، *تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)*، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، سال سوم، شماره ۹، ۱۳۹۱ ش.
۴۸. قبانچی، سید حسن، *مسند الإمام علی*، ۷، دار الاسوه، ۱۳۷۵ ق.
۴۹. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.

۵۰. قندوزی، ینایع المودة لنوی القری، تحقیق سید علی جمال أشرف الحسینی، قم، ۱۴۱۶ ق.
۵۱. متقی ہندی، کنز العمال، بی جا، بی تا.
۵۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تہران، المکتب الاسلامیہ، ۱۳۸۵ ش.
۵۳. محمدی، کیمیا و همکاران، قاعدہ نفی سیل در اندیشہ اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامہ علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳، شماره ۳۶.
۵۴. مدرس، سید علاء الدین، الامة الوسطی فی نظرة فی تاریخ الخرج السياسي فی صدر الاسلام، بی جا، بی تا.
۵۵. مرکز فرہنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب، چ ۳، ۱۳۸۲ ش.
۵۶. مزی، تہذیب الکمال، تحقیق و ضبط و تعلیق، د. بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسۃ الرسالة، ج ۳، ۱۴۰۹ - ۱۹۸۹ م.
۵۷. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۵۸. مطہری، مرتضی، آشنایی با قرآن، قم، صدرا، بی تا.
۵۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونہ، قم، مؤسسۃ امیر المؤمنین علیہ السلام، ۱۳۸۷ ش.
۶۰. میر عرب، فرج اللہ، الوحدة الاسلامی فی تفسیر العلامة الطباطبائی، بیروت، دار الصفوة و معہد للدراسات التقریبیہ، ب ۲۰۱۲ م.
۶۱. نسایی، احمد، سنن النسائی، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چ ۱، ۱۳۴۸ ق.
۶۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویہ، الخصال، قم جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ، ۱۳۶۲ ش.